

تاریخ نگارشهای عربی (فؤاد سزگین)

(مجلد نهم، در دستور زبان)

محمدتقی دانش پژوه

در تاریخ دانش و فلسفه است، و تاریخ دانشمندان و پزشکان ابن جلجل و صاعد اندلسی و ابن فاتک و ابن ابی اصیبه و یاقوت حموی و شهرزوری و دیگران.

۲- فهرست دانشها و نوشته‌ها همچون فهرستهای ابن ندیم و شیخ طوسی و نجاشی و ابن شهر آشوب و علامه حلی و ابن داود و مجدوع اسماعیلی و آنچه به اینها می‌پیوندد از مشیخه‌ها یا سرگذشت‌نامه‌های استادان که دانشمندان سنی و شیعی زیدی و امامی به نگارش درآوردند. از این گروه است فهرست مرویات ابن حجر کرد شافعی عسقلانی که همچون فهرست ابن ندیم است برای دانشهای دینی و بسیار با ارزش. نسخه‌ای از آن در کتابخانه طویقه‌سرای استانبول هست به شماره A 599 در ۱۵۵ برگ (ش ۳۰۱۵ فهرست)، از گزیده‌ای از آن هم در فهرست ظاهریه دمشق (ش ۱۴۹ حدیث) یاد شده است. بهترین نسخه آن را من در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی لنینگراد دیده و به دقت خوانده‌ام. رزن در دفتر (بولتن) آکادمی سنت پترزبورگ (XXVI) گویا از همین نسخه است که یاد می‌کند (بروکلمن SII 73). رماسکوویچ در فهرست روسی خود از آن نام برده و شماره آن در آن ۳۸ است. من آنچه که از آن دستگیرم شده است در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۸: ۲۸۸) آورده‌ام. این یکی جز المشیخة الباسمة او است که آن هم ارزنده است (هنر و مردم ۴۹:۲۸ و ۵۰).

از این دسته فهرست است کشف الظنون حاجی خلیفه و هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء کتبی که من در همان نشریه (۶۲: ۱:۶) چاپ کرده‌ام و مرآة الکتب میرزا علی تبریزی که فیلمی از یک مجلد آن در دانشگاه هست (۱۸:۳) و کشف الحجب کتوری و الذریعة تهرانی که کسی از اینها بی‌نیاز نخواهد بود. من در گفتارم درباره فهرست فرق و ادیان و فهرست تواریخ فلسفه که هر دو در فرهنگ ایران زمین چاپ شده است و درباره تاریخ فلسفه که در مجله ادبیات دانشگاه مشهد چاپ خواهد شد درباره اینگونه نوشته‌ها کاوش کرده‌ام. این را هم بگویم که از نگارشهای آقای احمد منزوی درباره نسخه‌های فارسی ایران و هند و سند نمی‌توان درگذشت.

دوم آنچه که دیگران به زبانهای دیگر ساخته و پرداخته‌اند و ما از آنها بی‌نیاز نخواهیم بود و از آنها است:

۱- فرهنگ و ادب فارسی (Persian literature) استوری که دو بخش جلد نخستین آن در ۱۴۴۳ صفحه و جلد دوم تا صفحه ۴۹۹ چاپ شده و حواشی مجلد پیشین آن در آغاز مجلد دوم گذارده شده است. ص ۳۴۷-۴۹۹ این بخش درباره دانش نامه‌ها و

Fuat Sezgin Geschichte des Arabischen Schrifttums Band IX Grammatik. Leiden. 1984

دانشمندان ما از هر دسته و رشته‌ای که باشند و در هر رشته‌ای از فرهنگ و ادب ما بخواهند بررسی کنند ناگزیر خواهند بود که در آغاز کار خود به چندین سرچشمه بنیادی بنگرند و راه جستجو را از آنها بیاموزند. این نوشته‌های بنیادی را می‌توان دو دسته دانست: نخست آنچه گذشتگان خودمان برای ما به یادگار گذارده‌اند که آن هم دو دسته است:

۱- نوشته‌های تاریخی همچون تاریخ یعقوبی که بخشی از آن

هنرها و پیشه‌هاست که انجمن آسیایی بریتانیا آن را با کمک بنیاد فرهنگ ایران در بریل لیدن ۱۹۷۷ چاپ کرده و بسیار ارزنده است.

اقبال آشتیانی بخش تفسیر قرآن آن را به فارسی درآورده (۵۴۳۲/۸ دانشگاه) و آن در همان نشریه (۱:۶۷-۱۵۳) چاپ شده است. هم از او است ترجمه فارسی استوری. بخش دوم جزو یکم (الف) تاریخ عمومی، (ب) انبیاء و قرون اول اسلام که در ۵۰ ص نوشته خود او در دانشگاه هست (۸/۸۶۶۴). آقای تقی بینش تذکره شعراء این کتاب را به فارسی درآورده و در مجله ادبیات مشهد، سالهای سوم تا هشتم چاپ کرده است. او بخش ریاضی آن را نیز به فارسی درآورده که در همان نشریه دانشگاه (۴:۱۳-۵۱) چاپ شده است. تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان علی رضا نقوی را ترجمه گونه‌ای از کار استوری دانسته‌اند (ص ۳۱ استوری فارسی). در تاریخ تذکره‌های فارسی دانشمند گلچین معانی (۲:۵۸۲) یاد این کتاب هست.

ترجمه و ویرایش روسی بخشی از مجلد یکم فرهنگ فارسی استوری در سه مجلد در ۱۸۸۴ صفحه در ۱۹۷۲ در مسکو چاپ شده و آن می‌رسد به پایان تاریخ زاین و تاریخ هند، و تاریخ سرایندگان و صوفیان و قدیسان و فیلسوفان را تا برسد به جنگهای تاریخی راندارد. در این ویرایش گرچه کوشش شده که از نسخه‌های گنجینه‌های کشور شوراها در آن یاد شود ولی از نسخه‌های تفلیس که من در آنجا دیده‌ام و در نشریه دانشگاه (مجلد هشتم و دهم) آورده‌ام و دو جلد فهرست نیز به زبان گرجی دارد و از بسیاری از گنجینه‌های دیگر آن کشور در آن نمی‌توان سراغ گرفت.

من در مسکو از خود مترجم که مجلد نخستین ویرایش خود را هم که تازه از چاپ درآمده بود به من داده است پرسیده‌ام پاسخ داد که کارم تاریخ ترک است و خواسته‌ام این کتاب را برای خودم آماده سازم. ویرایش تاریخ هند برای من بسیار دشوار است زیرا مانند خود استوری بایستی به سرچشمه‌های هندی دسترسی یابم و این در تواناییم نیست ناگزیر به همین اندازه بس کردم.

خوب است که بنیاد فرهنگ ایران یا مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی آنچه از ترجمه فارسی این ویرایش روسی مانده است به چاپ رساند و آنچه هم از متن انگلیسی استوری مانده است با بهره بردن از ترجمه آقای تقی بینش و با نظارت ایشان و از ترجمه گونه نقوی و از کار با ارزش آقای گلچین معانی، و به‌ویژه آنچه در مجلد دوم فرهنگ فارسی استوری درباره دانش و هنر آمده است به فارسی درآورد و از گفتارها و بررسیها که دانشمندان کرده‌اند باراهنمایی فهرست مقالات فارسی در این زمینه بهره برد

تا دانشمندان ما يك سرچشمه ارزنده‌ای در دست داشته باشند. درباره ویرایش فارسی ترجمه روسی استوری که اکنون دو دفتر از آن تا پایان تاریخ اسلام در دسترس است در همین مجلد (۴:۶ ص ۳۸) آنچه می‌بایست آمده است.

۳ و ۲- دو نگارش کارل بروکلن و فؤاد سزگین که کسی از آن دو بی‌نیاز نخواهد بود و من در همین مجلد (۳:۳ ص ۶۸-۷۰) درباره آن دو گفتاری دارم.

*

و اما کار استاد سزگین که در هر مجلد به سال ۴۳۰ بس می‌کند چنانکه در فهرست کتابهای چاپی درباره خاورمیانه نشر کتابخانه بریل در ۱۹۸۱ (ص ۴۳ و ۴۴) آمده است بایستی به چهارده مجلد برسد. من در آن گفتار از هشت مجلد آن یاد کرده‌ام. مجلد نهم آن که اکنون از چاپ درآمده است درباره دستور زبان عربی یا گراماتیک است که آن را خواهم شناساند. دهم و یازدهم آن درباره فرهنگ و ادب است و تاریخ و شناخت و ساختمان و هنر ادبی، دوازدهم در گیتی‌شناسی یا فیزیک و هنر و فن یا تکنیک و شناخت شهرها و کشورها یا ژئوگرافی و خنیاگری یا موسیقی، سیزدهم درباره فلسفه و منطق و اتیک و پولیتیک یا اخلاق و فلسفه، چهاردهم درباره آشنایی با تاریخ دانش و شناخت در کشورهای اسلامی. همه اینها در دست نگارش است و برای چاپ آماده خواهد شد.

در مجلد نهم این سرچشمه گسترده که بنگاه بریل در ۱۹۸۴ در لیدن در ۴۰۶ صفحه چاپ کرده پس از فهرست مطلبها نخست سر سخن سزگین است سپس:

۱- دیباچه است درباره:

الف) آغاز آگاهی باختریان از دستور زبان عربی و تاریخ جستار از آن و وضع کنونی آن. در اینجا از تدوین دستور زبان عربی به لهجه غرناطه به زبان اسپانیایی در آن شهر در ۱۵۰۵ و از ترجمه لاتینی عوامل گرگانی و مبادی التصریف زنجانی و کافیّه ابن الحاجب و مقدمه آجرومیّه صنه‌جی یاد می‌گردد تا می‌رسد به کار مرکس (Merx) در تاریخ هنر دستور زبان سریانی به لاتینی که در آن گفته شده که دستور زبان عربی به منطق یونانی وابسته است و پس از او سه دانشمند دیگر این زمینه را دنبال کرده‌اند.

ب) آغاز گراماتیک یا دستور زبان عربی و پیدایش و دگرگونیهای آن از کار یاران پیامبر و پیروان آنها و ابوالأسود دؤنلی تا برسد به عبدالقاهر گرگانی.

ج) سرچشمه‌های آشنایی ما با چنین دستور و گراماتیک که آن هم خود دو گونه است:

PERSIAN LITERATURE

A BIO-BIBLIOGRAPHICAL SURVEY

BY
C. A. STOREY

VOLUME II, PART 3
F. ENCYCLOPAEDIAS AND MISCELLANIES
G. ARTS AND CRAFTS
H. SCIENCE
J. OCCULT ARTS



PUBLISHED WITH THE AID OF
THE IRANIAN CULTURE FOUNDATION
BY
THE ROYAL ASIATIC SOCIETY OF
GREAT BRITAIN AND IRELAND
SOLE AGENTS: E. J. BRILL LTD.,
LEIDEN
1977

GESCHICHTE
DES ARABISCHEN SCHRIFTTUMS

BAND IX
GRAMMATIK
BIS ca. 430 H.

VON
FUAT SEZGIN



LEIDEN
E. J. BRILL
1984

نخست چهل و پنج سرگذشت و فهرست از طبقات-
فحول الشعراء جمعی تا المزیهر سیوطی، دوم پندارشناسی یا
دکسوگرافی بدینگونه:

(الف) پانزده دفتر درباره روش بصریان و کوفیان و دوگانگی و
ناسازگاری آنان از اختلاف النحویین ثعلب تا الاسعاف-
فی الخلاف ابن ایاز و ایتلاف النصره فی اختلاف نحاة الکوفة و-
البصرة از گمنام.

(ب) ده دفتر درباره نادرستی در گفتار از الاستعظام للنحومن-
کان یلحن من النحویین از ابن شبه تا التصحیف و التحریف بلطی.
از آنها است التنبیه علی حروف التصحیف حمزه اصفهانی که از
روی تنها نسخه کتابخانه مدرسه مروی تهران دو بار چاپ شده و
صفار از آن خرده گرفته است (سزگین ۸: ۲۰۰ و ۹: ۲۵ و ۱۹۶ و ۲۰۰)

(ج) دفترهایی که در آنها از انجمن گاهها و سخنرانیهای
زبان شناسان (مجالس، امالی) یاد می گردد و بیشتر آنها از میان
رفته و دو تایی از آنها مانده است یکی از ثعلب و دیگری از زجاج.
(د) هفت دفتر ارزنده که در آنها به نکته هایی از تاریخ
دستور زبان بر می خوریم از کتاب سیبویه تا الخصائص ابن جنی
(گنایس) و خزانه الادب بغدادی.

۲- دستور زبان شناسان عراق:

(الف) شهر بصره از ابوالأسود دوتلی تا ابوالقاسم قصبانی،
۵۲ تن.

(ب) شهر کوفه از معاذ هراء تا ابن السراج نحوی، ۲۵ تن.
(ج) شهر بغداد و دیگر جاها که دانشمندی گزین کننده و
ناپیوسته به دسته های دیگر در آنجا پدیدار شده بودند از ابوعلقمه
نحوی تا ابن شیطاء، ۴۲ تن.

(۳) دستور زبان شناسان ایران از ابو حامد تا عاصمی، ۲۴ تن.
(۴) دستور زبان شناسان سوریه و عربستان از یحیی بن حارث
ذماری علی الجمل، ۹ تن.

(۵) دستور زبان شناسان مصر از ابوعلی دینوری تا ذاکر
نحوی، ۱۴ تن.

(۶) دستور زبان شناسان افریقای شمالی از حمدان نحوی تا
احمد بن عماد مهدوی، ۵ تن.

(۷) دستور زبان شناسان اسپانیا از جودی بن عثمان مغربی
تا ابوالفتوح گرگانی، ۱۵ تن.

(۸) دفترهای گمنام و بی نام چهارتا.

(۹) فلسفه زبان و پیوستگی دستور زبان و منطق که بخشی
است بسیار ارزنده و تازگی دارد. در آغاز آن آشنایی با اندیشه

یونانی و فلسفه زبان و عرفان گنوستیک نوپیتاگورسیان و نوپلاتونیان و اندیشه صابئیان جرّانی که در روش باطنی اسماعیلیان پدیدار گشته بود گفتگو شده سپس از نه فیلسوف ایران شهری یاد می‌گردد:

(۱) جابر بن حیان که در کتاب *الاجراج* و کتاب *المنطق* و کتاب *الموسیقی* و کتاب *الخمسين* از دستور زبان و حروف سخن داشته است.

(۲) الکندی که به نوشته حمزه اصفهانی در *التبیه علی حروف التصحیف* رفع فاعلی و نصب مفعولی و جر اضافی را به سه گونه جنبش طبیعی: در میانه مانند جنبش آتش و هوا، از میانه مانند جنبش زمین و آب، به سوی میانه مانند جنبش آسمان، همانند دانسته است.

(۳) حنین بن اسحاق که احکام الاعراب علی مذهب - *الیونانیین* دارد

(۴) ابوالطیب احمد سرخسی فیلسوف که برای نخستین بار کتاب *الفرق بین نحو العرب و المنطق* نگاشته و به نوشته حمزه اصفهانی در همان دفتر *القبائی* چهل حرفی برای درست نوشتن واژه‌های فارسی و یونانی و سریانی ساخته که شکل آنها در نسخه *التبیه علی حروف التصحیف* نیست و شاید همان چهل حرف اوستایی را که کامل است و حرفهای صدا دار را دارد به کار برده باشد.

(۵) فارابی که نزد سراج دستور زبان و اوزدوی منطق خوانده است و در *احصاء العلوم* از دانش زبان یاد کرده و در *الالفاظ المستعملة فی المنطق* و کتاب *الحروف* در فلسفه زبان کاوش نموده است. او در *الالفاظ المستعملة* که گویا در آن از هنر دستوری (تخنه گراماتیکی) دیونوسیوس تراکیایی شاید از ترجمه سریانی یوسف خوزستانی از آن بهره برده باشد واژه‌های دستوری منطق را بر شمرده است. او در *الحروف* از پیدایش سخن و دانش زبان یاد کرده و از آن برمی‌آید که وی با چندین زبان مانند یونانی و هندی و فارسی و سغدی آشنا بوده است.

من دو گفتار دارم که در آنها از ماندگی دستور زبان و منطق و از پیوند این دو یاد کرده‌ام: یکی در *مجله ادبیات تبریز* سال ۱۳۵۴ (ص ۱۴۹)، دومی درباره گزارش نامه فارابی که اکنون در *مجله معارف* زیر چاپ است.

این را هم می‌دانیم که ابن سینا را نیز در این باره سخنانی است که سرگین از او یاد نکرده است.

(۶) یحیی بن عدی که در *داستان گفتگوی سیرافی و متی قناتی* نامش هست و «مقاله فی تبیین الفصل بین صناعة المنطق الفلسفی

والنحو العربی» (ش ۱۳۷۶ طباطبائی در مجلس) دارد (۷) اخوان صفاء که در *الرسائل*، بخش علوم طبیعی دفتر هفدهم، از فلسفه زبان به خوبی سخن داشته‌اند. بوزانی در *گزیده* خود از این رسائل به ایتالیایی در دنبال این دفتر گزینی از «اسباب حدوث الحروف» یا «مخارج الحروف» این سینا را که با سخنان اخوان صفا نزدیک است گذارده است.

(۸) ابوسلیمان منطقی سجستانی که درباره دستور زبان و منطق سخنی دارد و می‌گوید که نحو عربی منطق عربی است و منطق یونانی نحو عقلی است.

(۹) خوارزمی که در *مفاتیح العلوم* از گونه‌گون اعراب به روش فیلسوفان یونانی یاد کرده است.

در پایان این مجلد حواشی مجلد ۹ و ۲ و ۸ گذارده شده است. این نکته را باید گفت که این گونه بخش بندی استاد سرگین گویا بر این پایه است که این دانشمندان در کجا دستور زبان آموخته و در کجا کار علمی کرده و از کدام دسته‌اند نه اینکه از کدام نژادند و از کدام خاندان. چون می‌بینیم که در هر يك از این جایگاههای جغرافیایی کسانی برآمدند که از مردم جایگاه دیگرند و از آن سامان نیستند.

این را هم باید گفت که در آن روزگاران فارس و عراقی جدای از هم نبوده و همگان در يك سرزمین فرهنگی می‌زیستند و آنان یا سورستانی هستند یا قبطی و آفریقایی و اندلسی و عربستانی و یا از مردم ایران شهر و همه آنها خوشه چین آموزشگاههای سورستان و ایران شهرند و از رهگذر فرهنگی جز به این دو جا پیوستگی نخواهند داشت.

استاد سرگین در گفتگوی از آغاز دستور زبان عربی (ص ۵) و در سرگذشت ابوالأسود دونلی (ص ۳۱) از داستان دستورنویسی او یاد کرده و گفته که شاید او به انگیزه فرمان‌روای روزگارش نگارش دستور زبان را آغاز کرده باشد تا مردم را از لغزش و خطای در سخن و گفتار باز دارد. نگارش این دستور گویا آنگاه آغاز شده است که یاران پیامبر و پیروان آنان به گردآوری و بر خواندن و درست خواندن (قرائت و تجوید) قرآن پرداخته‌اند و در این هنگام بود که این دستوریابریزی شده است. دامنه جستجو و گفتگو در این زمینه بسیار گسترده است و چندین کتاب فرنگی در این باره داریم (ص ۳ و ۴) استاد سرگین نخواست است که چندان بدان بپردازد. یکی از چشمه‌های خوب فرنگی درباره تاریخ دستورنویسان عربی مدرسه‌های نحوی عربها *Die Grammatische Schulen der Arabes* است از فلوگل Flügel (چاپ ۱۸۶۲) که هنوز بارزش است (۳:۸ و ۳:۹)